

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حوزه علمیه قم

مدرسه علمیه آیت الله بهجت (ره)

بازنویسی دروس 18 و 19 کتاب آموزش عقائد علامه مصباح یزدی

ره

گزارش اختتامیه دروه تابستانه مدرسه علمیه آیت الله بهجت ره

استغاثه

ندبه

ترخیم

حجه الاسلام و المسلمین شیخ ابراهیم شریفی زید عزه

حجه الاسلام و المسلمین شیخ محمد شکری زید عزه

حسین پیرنیافر

پایه دوم

1399-1400

## فهرست

2	فهرست
4	بازنویسی دروس 18 و 19 کتاب آموزش عقائد علامه مصباح یزدی ره
4	مقدمه
4	جبر و اختیار: ریشه ها
4	نتیجه جبر گرایی
4	عامل جبر گرایی، نقاط مقابل آن
5	اختیار
5	شباهت جبرگرایان
6	مفهوم قضا و قدر
6	قضا و قدر علمی و عینی
6	ارتباط قضا و قدر با اختیار انسان
7	آثار این اعتقاد
7	جمع بندی
8	گزارش اختتامیه برنامه تابستانی مدرسه علمیه آیت الله بهجت ره
8	مقدمه
8	مراسم اختتامیه
8	معرفی استاد
8	بیانات استاد
9	سوال طلاب) برای جلوگیری از این خطرات رسانه ها، چه کاری باید بکنیم؟
9	سوال طلاب) زمانی که تمام رسانه ها در دست دشمن است و می تواند محتوای ما را کنترل کند ما چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ برای مثال پاک کردن هر گونه عکس از چهره شهید حاج قاسم سلیمانی.
9	سوال طلاب) برای آشنایی با مباحث سواد رسانه ای چه کنیم؟
9	سوال طلاب) کتاب در این زمینه معرفی می کنید؟
9	دقایق پایانی مراسم، جمع بندی
11	استغاثه
11	بیان مسئله:

11.....	تعریف و ارکان استغاثه
11.....	حکم مستغاث به
12.....	حکم مستغاث له و مستغاث منه
12.....	تعجب
12.....	نتیجه
13.....	ندبه
13.....	بیان مسئله:
13.....	مقدمه
13.....	ارکان ندبه
13.....	شرایط اسم مندوب
14.....	اشکال اسم مندوب
14.....	نتیجه
15.....	ترخیم
15.....	بیان مسئله:
15.....	تعریف
15.....	مواضع ترخیم
15.....	کیفیت ترخیم
16.....	نتیجه
17.....	فهرست منابع:

## بازنویسی دروس 18 و 19 کتاب آموزش عقائد علامه مصباح یزدی ره

### مقدمه

بازنویسی از جمله روش های تسهیل فهم متون تخصصی است که در آن به مخاطب امکان استفاده علمی از عبارات کتب تخصصی را می دهد و در عین حال، از بیان اصطلاحات و ثقات های متن خودداری می کند. از این رو لازم است برای تغذیه علمی آن دسته از علم آموزان، که توانایی خواندن متون تخصصی و ثقیل را ندارند، به این مهارت رو بیاوریم. آنچه به تفصیل ارائه می شود بازنویسی از دروس هجده و نوزده کتاب اصول عقائد مرحوم علامه مصباح یزدی است. که در آن دو موضوع جبر و اختیار و قضا و قدر، بیان شده اند.

### جبر و اختیار: ریشه ها

گاهی به علت عدم رشد کافی عقلی برخی افراد و گاه به سبب عدم تعلیم و تربیت صحیح، از توحید این برداشت می شود که خداوند بدون واسطه علت برای هر معلولی است و وجود واسطه ها و اسباب در این میان نفی یا تکذیب می شود. آغاز این تفکر با این تصور است که علت گرمی خداوند است و آتش واسطه و سببی برای گرما نیست بلکه این عادت خداوند است که این دو را در کنار هم دیگر قرار داده است. اما این تفکر انسان را به آنجا می رساند که خود را علت افعال و کارهایش نداند و در نتیجه انسان مسولیتی هم برای خودش لحاظ نخواهد کرد.

### نتیجه جبر گرایی

نتیجه عدم مسولیت انسان این است که دیگر وجود هر گونه نظام تربیتی و حتی تشریحی<sup>1</sup> بی معنی خواهد شد؛ چرا که زمانی که انسان اختیاری بر کارهایش نداشته باشد دیگر امر و نهی و پاداش و جزا معنی ندارد. این بی معنی بودن نظام تشریحی اسلام بی هدفی خلقت خداوند را می رساند چرا که در آیات قرآن کریم از جمله اهداف آفرینش جهان، آماده شدن زمینه های آزمایش انسان نامبرده شده است.<sup>2</sup> اما بی معنی بودن نظام تشریحی بی معنی بودن خلقت و بی هدفی آن را در نتیجه دارد. چرا که آزمایش انسانی که اختیار کارهای خودش را هم نداشته و سپس پاداش و جزا دادن به او بی معنی و نقض غرض (مخالف هدف اولیه ما برای امر خلقت) می باشد.

### عامل جبر گرایی، نقاط مقابل آن

از جمله مهم ترین عوامل برای گسترش جبر گرایی حکومت های ستمگر بوده است؛ تا از این طریق بتوانند بهانه ای برای رفتارهای ناشایست خودشان برای افکار عمومی داشته باشند. و مردم را در برابر اعمالشان ساکت کنند. از طرفی نفی جبر گرایی و از طرف دیگر توحید کامل، برای آن دسته از افراد که به نقطه ضعف این تفکر توجه داشته اند اما آموزش صحیحی از تعالیم دینی تجربه نکرده بودند قابل جمع نبود؛ از این رو به تفویض رو آوردند و تمام افعال انسان از دایره افعال الهی خارج کردند.

<sup>1</sup> ساختار یا سیستمی که در آن شرع و باید و نباید های شرعی بیان شود.

<sup>2</sup> هود 7، ملک 2، کهف 7، ذاریات 56، توبه 72

البته شیعیان که مفسرینی همچون ائمه اطهار علیهم السلام داشته اند از این دو تفکر دور ماندند و با بیانات معصومین علیهم السلام از طرفی جبرگرایی مطلق را نفی کردند و از طرفی دیگر با قائل شدن اختیاری محدود از نتایج تفویض در امان ماندند.

### اختیار

توضیح اختیار داشتن انسان از جمله موارد وجدانی<sup>۳</sup> و بدیهی است؛ چرا که هر کس اختیار را با علم حضوری درون خود می یابد که خطا پذیر نیست. در کنار شناخت انسان از خودش، شک کردن نیز حالتی است که وجود اختیار را تأیید می کند.<sup>۴</sup> انتخاب های لحظه ای انسان نیز تأیید کننده وجود اختیار در انسان اند چرا که انسان می داند که می تواند سخنی بگوید یا نگوید، راه برود یا نرود و... آنچه از این انتخاب ها برای انسان می ماند ارزش افزوده ای است که نتیجه هر انتخاب برای او داشته است؛ به عبارت دیگر، ارزش انسان در آن جایی خود را نشان می دهد که بر سر دو یا چند راهی انتخاب هایش باشد و یک مورد را برگزیند. اینجاست که انسان استحقاق پاداش و کیفر را خواهد داشت.

باید توجه داشت که اختیار انسان از جمله مقوله هایی است که بعنوان یک اصل بدیهی در میان همه نظام های تربیتی، تشریحی و ادیان پذیرفته شده است. در ادامه به پاسخ برخی اشکال های وارد شده به اختیار می پردازیم.

### تشبهات جبرگرایان

- 1) انتخاب انسان وابسته به تمایلات درونی اوست. در حالی که انسان اختیاری نسبت به برانگیخته کردن و یا نکردن این تمایلات ندارد پس دیگر اختیار چه معنی می دهد؟  
با دقت می یابیم که این تمایلات زمینه انتخاب های ما را فراهم می کنند و در نتیجه انتخاب های ما بصورت جبری، تاثیر ندارند به گونه ای که اختیار را سلب کنند. شاهد بر این ادعا این است که در اینگونه موارد انتخاب انسان دشوار می شود و با دودلی همراه است.
- 2) بر اساس یافته های علوم مختلف، وراثت، ترشح غدد و عوامل محیطی و اجتماعی، در انتخاب های انسان و تفاوت های انتخاب ها، موثر اند. با این وجود جایی برای اختیار می ماند؟  
اختیار به معنی نفی تمام عوامل موثر بر انتخاب نیست بلکه به این معنی است که انسان در کنار وجود تمام این عوامل می تواند انتخاب دیگری داشته باشد. این عوامل هم به مقدار قدرت خود، گاه انتخاب انسان را دشوار می سازند.
- 3) علم الهی پیش از وقوع پدیده ها چگونه می تواند با اختیار انسان جمع شود؟

---

<sup>3</sup> وقتی می گوئیم وجود اختیار در انسان از جمله موارد وجدانی است یعنی هر کس با رجوع به وجدان خود آن را درون خود می یابد.

<sup>4</sup> چرا که زمانی شک انسان اعتبار دارد که اختیاری داشته باشد نسبت به قبول کردن دو مطلب. و در غیر این حالت اصلاً شک معنی ندارد.

علم الهی بر هر چیزی آنچنان که واقع می شود، تعلق می گیرد یعنی در اینجا ظرف اختیار انسان نیز لحاظ می شود؛ برای مثال خداوند می داند شخصی با اینچنین ویژگی هایی و اینچنین موقعیتی چنین عملی را خواهد داشت. اینگونه نیست که علم الهی فقط به وقوع فعل تعلق بگیرد و ظرف اختیار انسان لحاظ نشود.

4) قضا و قدر چگونه با اختیار انسان جمع می شود؟

### مفهوم قضا و قدر

واژه «قدر» به معنای «اندازه» و «قضا» به معنای «یک سره کردن و به انجام رساندن» است. اما منظور از تقدیر الهی آن است که خداوند برای هر پدیده ای مقدار و حدودی کیفی، زمانی و مکانی قرار داده است. این مقدار و حدود در تحقق تدریجی و فراهم شدن اسباب موثر اند. با این بیان تقدیر پیش از قضا است و غیر حتمی می باشد. مرحله قضا یکباره است بگونه ای که همه ی اسباب به یک دفعه فراهم شوند؛ در نتیجه حتمی است. البته گاهی قضا و قدر به یک معنی در نظر گرفته می شوند.

### قضا و قدر علمی و عینی

قضا و قدر به علم الهی به فراهم شدن مقدمات و اسباب پدیده ها نیز تعلق می گیرد و قضا و قدر علمی نامیده می شود. نیز به بصورت عینی به اسباب پیدایش پدیده ها نسبت داده می شود و قضا و قدر عینی نامیده می شود.

علم الهی به تمام پدیده ها بر اساس روایات در مخلوقی عالی به نام لوح محفوظ منعکس می شود و هر کس با آن ارتباط بگیرد می تواند از حوادث گذشته و آینده بصورت کامل آگاه شود. البته لوح های دیگری در درجات پایین تر وجود دارند که اطلاعات محدود تری دارند و قابل تغییر اند. با توجه به توضیحات آمده در باب علم الهی در کتاب آموزش عقائد و نیز پاسخ اجمالی نسبت به ادعای جبرگرایان اشکالی با موضوعیت خلل وارد کردن علم الهی به اختیار انسان وجود ندارد.

### ارتباط قضا و قدر با اختیار انسان

طبق آنچه از قضا و قدر و توحید می دانیم هر پدیده ای از مقدمات وجودش تا تولد و فعالیت و در آخر نیز تا پایان عمر نیازمند و تابع اراده و مشیت الهی است. در نتیجه تمام این افعال و حرکات به اراده الهی بر می گردد. اما از طرفی برگشت این پدیده ها به اراده الهی، جبر را لازم می آمد که آن را رد کردیم پس چگونه می توان رفتار اختیاری انسان را در عین اختیار او، به اراده الهی منتسب کرد؟

علت ها به چند شکل می توانند بروز داشته باشند:

- 1- چند علت با هم و در کنار هم تاثیر بگذارند مانند آب و خاک و نور برای فتوسنتز
- 2- هر کدام به نوبه خود تاثیر بگذارند مانند آنجا که چند موتور هر کدام در نوبت خود روشن شوند و موجب حرکت هواپیما شوند.
- 3- تاثیر آنها بر یکدیگر باشد مانند چرخنده های ساعت و ماهیچه های انسان.

تاثیر خداوند بر اعمال ما از قبیل همین مورد سوم است. و اگر کسی بگوید مگر می شود دو علت در کنار یکدیگر باشند می گوییم آنجایی حضور دو علت در کنار یکدیگر ممکن نیست که دو علت هستی بخش باشند نه اینجایی که یکی هستی بخش و تامه و دیگری فقط علت فاعلی یا... باشد.

از این توضیح بر می آید که تمامی این اسباب در طول اراده خداوند تاثیر خود را بر پدیده می گذارند و علت نامیدن آنها در یک سطح نازل و علت نامیدن خداوند در یک سطح عالی نسبت به اینها است. با این توضیح، سبب علت پدیده و خداوند علت سبب است.

### آثار این اعتقاد

این اعتقاد به قضا و قدر در کنار اینکه معرفت به خداوند را در بر دارد، موجب تکامل انسان در بعد معنوی می شود؛ در نتیجه ترس را از انسان دور می کند و صبر را به ارمغان می آورد چرا که شخص معتقد می داند که نظام جهان حکیمانه است و هر چه هست برگرفته از حکمت خداست. نیز این اعتقاد موجب می شود فخر و غرور و خودپرستی را کنار بگذاریم.

نیز باید توجه داشت اعتقاد غلط به قضا و قدر موجب تنبلی و یا ستم پذیری، عدم مسولیت پذیری و شقاوت در دنیا و آخرت می شود.

### جمع بندی

قضا به معنای اموری که اراده الهی به یکباره و بطور حتم به آنها تعلق می گیرد و قدر به معنای اموری که با اسباب و بشکل غیر حتمی تحت تاثیر اراده الهی هستند می باشند. قضا و قدر نه تنها مخل اراده و اختیار انسان نیستند بلکه اراده و اختیار انسان تحت اراده ی الهی معنا پیدا می کند و علیت انسان برای افعالش در طول علیت تامه الهی است.

## گزارش اختتامیه برنامه تابستانی مدرسه علمیه آیت الله بهجت ره

### مقدمه

سالانه مدرسه علمیه آیت الله بهجت، برنامه تابستانی خود را با محوریت دروس جنبی همچون عقائد، کلام و مکالمه عربی برگزار می کند. طی این برنامه طلاب با سفر به مشهد مقدس در جوار امام رضا علیه السلام به کلاس های درسی، گده های طلبگی، برنامه های تفریحی می پردازند. این دوره در سال اخیر (1399 ه ش) با توجه به شیوع ویروس کرونا، به دلیل پروتکل های بهداشتی ستاد ملی کرونا در قم المقدسه و در مدرسه علمیه آیت الله بهجت رحمه الله علیه با شعار «حیات طیبه در فضای مجازی شاخصه ی طلبه ی انقلابی» برگزار و در تاریخ دوازدهم تیر ماه آغاز شد.

### مراسم اختتامیه

در روز نوزدهم مرداد ماه 1399، پس از پنج هفته حضور طلاب در مدرسه علمیه، مراسم رسمی اختتامیه با قرائت قرآن و بیانات حجه الاسلام و المسلمین مرتضی عبداللهی معاونت پژوهش مدرسه علمیه، با دو موضوع روحیه پژوهشی طلاب و نیز نکاتی در باب پژوهش های طلاب در سال گذشته آغاز شد. پس از بیانات معاونت محترم پژوهش، مهمان برنامه استاد حجه الاسلام و المسلمین دکتر سعید عبداللهی سخنانی در باب فضای مجازی و سواد رسانه ای ایراد فرمودند. که در انتهای برنامه به سوالات طلاب در حوزه فضای مجازی و سواد رسانه ای پرداخته شد. در آخر نیز از اساتید و طلاب برگزیده ی پژوهشی تقدیر به عمل آمد.

### معرفی استاد

حجه الاسلام و المسلمین سعید عبداللهی، از جمله اساتید حوزه و دانشگاه بوده و همچنین ریاست سابق واحد جنگ نرم نهاد رهبری در دانشگاه ها و مدیریت موسسه آفرینش های نوین را در کارنامه خود دارند.

### بیانات استاد

حجه الاسلام و المسلمین عبداللهی، به تاریخچه واکنش های خانواده ها در باب رسانه در اروپا، آمریکا و ایران پرداختند. در ادامه به سه نوع واکنش در برابر رسانه اشاره فرمودند: «بطور کلی سه نوع واکنش در برابر رسانه ها وجود دارد؛ اول خوش بینی، به این معنا که رسانه خوب و پسندیده است و نقطه ضعف قابل توجهی ندارد؛ هر نقطه ضعفی هم که وجود دارد در محتوای آن است که می توان آن را تغییر داد. ضمن آنکه برخی از این گروه محتوا های نامطلوب را هم بعنوان نقطه ضعف در نظر نمی گیرند.

دوم بد بینی، به معنای اینکه رسانه خطرناک است و نباید از آن استفاده نمود. بیشتر اشاره این گروه به محتوا های نامطلوب، اثرات مخرب رسانه، عدم تربیت صحیح رسانه ای و تاثیرات رسانه بر تربیت فرزند می باشد.

اما گروه آخر، واقع بینان هستند؛ کسانی که رسانه را با تمام توانایی ها و ظرفیت هایش می بینند و ظرفیت ها را می سنجند. رسانه گاه ظرفیت های منفی دارد و گاه ظرفیت های مثبت.» در ادامه ایشان با بیان برخی ظرفیت های منفی رسانه هایی



همچون Instagram با توجه به افزایش روحیه سلفیش<sup>5</sup>، عدم تطابق محتوای رسانه ای با زندگی معمول جامعه و گسترش ناامیدی، جذابیت های بصری و عدم توانایی کنترل وقت برای کودکان و نوجوانان پرداختند و این مشکلات را به تفصیل و با مثال توضیح دادند.

### **سوال طلاب) برای جلوگیری از این خطرات رسانه ها، چه کاری باید بکنیم؟**

«ما ناگزیر هستیم که از برخی رسانه ها استفاده کنیم؛ با وجود اینکه می دانیم چه خطراتی برای مصرف کننده محتواهای رسانه ای دارند. البته لازم است آرام آرام، فضای کلی جامعه را به سمت رسانه های کم خطر و یا رسانه های تولید داخل ببریم. لازم است در کنار مصرف محتواهای رسانه ای، به تربیت نسل از طریق مباحث سواد رسانه ای هم بپردازیم.»

### **سوال طلاب) زمانی که تمام رسانه ها در دست دشمن است و می تواند محتوای ما را کنترل کند ما چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ برای مثال پاک کردن هر گونه عکس از چهره شهید حاج قاسم سلیمانی.**

«ما ناگزیریم در رسانه ها حضور داشته باشیم؛ گرچه حضور در رسانه ای که کاملاً مخالف ارزش های ماست، محل بحث است اما لزوم حضور و فعالیت ما را به سمت این رسانه ها می کشاند. باید بتوانیم خودمان را با شرایط سخت روز وفق دهیم و جامعه را به سمت رسانه هایی حرکت دهیم که در آن ها این ملاحظات انجام شده اند.»

### **سوال طلاب) برای آشنایی با مباحث سواد رسانه ای چه کنیم؟**

«الحمدلله امروز فضای بحث سواد رسانه ای خوب بوده و کرسی های درس و مقالات علمی و همچنین کتب خوبی در این زمینه فراهم آورده شده اند. می توانید از دوره های سواد رسانه ای و کتب و در نهایت هم از مقالات و رشته های مرتبط دانشگاهی استفاده کنید. البته راه برای شما هموار تر است.»

### **سوال طلاب) کتاب در این زمینه معرفی می کنید؟**

«یکی از کتاب هایی که حقیقتاً متن روان و در عین حال علمی ای دارد، کتاب دکتر سید بشیر حسینی است؛ کتاب #150 سواد رسانه ای. توضیحات این کتاب مطابق با کتب، مجلات و مقالات معتبر علمی در این باب است و نیز در کنار توضیحات عکس نوشته ها و نحوه چینش مطالب به فهم بهتر متن کمک می کند. این کتاب بعنوان اولین کتاب این سیر مطالعاتی کتاب مفیدی است.»

### **دقایق پایانی مراسم، جمع بندی**

پس از بیانات استاد، از پژوهشگران برتر و همچنین اساتید برتر پژوهشی تقدیر به عمل آمد. پس از تقدیر از پژوهشگران برتر از رابطین آموزش ترم دوم سال تحصیلی نیز تقدیر به عمل آمد. و در آخر نکاتی در باب شیوه آموزشی مدرسه علمیه در ترم اول سال تحصیلی 1399-1400 از قبیل چگونگی آموزش مجازی، ساختار و بستر، نحوه استجازه برای حضور در مدرسه و تاریخ شروع ترم تحصیلی، بیان شد.

<sup>5</sup> روحیه خود نمایی، برگرفته از علاقه وافر به استفاده از دوربین جلو و عکاسی با دوربین جلو یا selfie

گزارش اختتامیه برنامه تابستانی مدرسه علمیه آیت الله بهجت ره

پس از این مراسم طلاب بصورت رسمی اجازه خروج از مدرسه و رجوع به شهرستان های محل سکونت خود را پیدا کردند و با فاصله یک ماه شروع سال تحصیلی جدید کلید خورد.

اهم مباحث مطرح شده در سخنرانی حجه الاسلام و المسلمین عبداللهی، تاریخچه پیدایش علم سواد رسانه ای و نگاه های متفاوت اندیشمندان و فعالان اجتماعی به رسانه ها بوده اند.

## استغاثه

### بیان مسئله:

از جمله منصوبات منادا می باشد. نداء صدا زدن یا توجه به شخصی به وسیله ادات نداء می باشد.<sup>6</sup> اما گاه ادات نداء و صیاق کلی آن مشاهده می شود؛ در حالی که معنای توجه و صدا زدن را ندارد؛ بلکه افاده معنایی دیگری اضافه بر صرف صدا زدن دارد. یکی از این مواضع، در نحو به نام «استغاثه» شناخته می شود.<sup>7</sup> در این یادداشت به بیان اقوال در باب استغاثه پرداخته ایم.

### تعریف و ارکان استغاثه

از جمله ملحقات به بحث نداء استغاثه می باشد. استغاثه ندائی است که در آن از دیگری طلب کمک می شود. سیوطی و ابن عقیل این کمک را برای خلاصی از شدت یا دفع مشقت تفسیر کرده اند.<sup>8</sup>

- 1- مستغیث: در استغاثه به کسی که درخواست کمک می کند «مستغیث» گفته می شود.
- 2- مستغاث: به کسی که درخواست کمک از او می باشد، «مستغاث به» یا «مستغاث» گفته می شود.
- 3- مستغاث له و مستغاث منه: به کسی که برای یاری رسانی به او استغاثه صورت گرفته است، «مستغاث له» اطلاق شده و به آنکه شری می رساند یا خطری دارد که موجب می شود استغاثه صورت بگیرد، «مستغاث منه» گفته می شود.<sup>9</sup>

مانند: یا للمرتضی للایتام، یا للمرتضی للظالمین. که در مثال اول و دوم، «یا» ادات استغاثه و «مرتضی» مستغاث به می باشد. مستغیث نیز شخص متکلم است. و «ایتام» و «ظالمین» نیز به ترتیب مستغاث له و مستغاث منه می باشند.

در استغاثه، مستغاث پس از «یا» قرار می گیرد و مستغاث له و مستغاث منه پس از مستغاث به قرار می گیرند. ادات استغاثه «یا» می باشد که حذف آن جایز نیست. در استغاثه نمی توان هم مستغاث منه و هم مستغاث له را با هم ذکر نمود.<sup>10</sup>

### حکم مستغاث به

مستغاث سه شکل کلی دارد؛ مجرور به وسیله لام مفتوحه<sup>11</sup>، مختموم به الف و معرب به اعراب منادی. لام مفتوحه اختصاص به مستغاث دارد چرا که منادی در جایگاه ضمیر است و لام آنجا که پس از ضمیر بیاید مفتوح می شود. اگر مستغاث ضمیر متکلم وحده (صیغه 13) باشد، نمی توان لام مفتوحه را در ابتدایش آورد. در نتیجه لام مکسور می شود. هنگامی که مستغاث

<sup>6</sup> بدائه النحو ص 218

7

<sup>8</sup> شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک فی ثوبه الجدید ص 140 و بهجه المرضیه فی شرح الفیه فی اسلوبها الجدید ص 150

<sup>9</sup> بدائه النحو ص 218

<sup>10</sup> بدائه النحو ص 219

<sup>11</sup> این حالت غالبی است.

به معطوف باشد لام وارد شده بر مستغاث به، نیز مکسور می شود مشروط به اینکه ادات استغاثه (یا) تکرار شود. اما اگر ادات استغاثه تکرار نشود، لازم است لام مکسوره بر مستغاث وارد شود. (در این حالت مستغاث شبیه به مستغاث له می شود).

اگر در آخر مستغاث الف بیاید، لام از ابتدای آن حذف می شود چرا که الف عوض از لام است.<sup>۱۲</sup> در این حالت مبنی بر ضمه مقدره می شود و محلا منصوب است. در حالت سوم نیز که مستغاث اعراب منادی را می گیرد، بطور کلی یا مفرد است (خواه معرفه باشد یا نکره مقصوده) و یا مضاف و یا شبه مضاف. منادای مفرد معرفه و نکره مقصوده مبنی بر حالت مرفوعی که می توانست قبل از نداء داشته باشد است؛ در این حالت مستغاث محلا منصوب است. در شکل دوم و سوم منصوب است.

بطور کلی جارومجرور مستغاث و لام متعلق به ادات استغاثه می باشد و «یا» نایب از فعل «ادعوا» یا مانند آن است. می توان مستغاث را با وجود قرینه حذف نمود.

### حکم مستغاث له و مستغاث منه

مستغاث منه می تواند مجرور به لام مکسوره و یا من باشد اما مستغاث له اگر اسم ظاهر باشد مجرور به لام مکسوره است و اگر اسم ظاهر نباشد مجرور به لام مفتوحه خواهد شد.

جارومجرور مستغاث له متعلق به «مدعویین» یا مانند آن است و «مدعویین» حال محذوفی است که ذوالحال آن مستغاث می باشد.

### تعجب

گاهی از استغاثه در جایگاه تعجب استفاده می شود، مانند: «یا للعجب». در این صورت نیاز است پس از ادات استغاثه لفظی قرار بگیرد که صلاحیت وقوع در محل استغاثه را ندارد. در این حالت نیز مانند آنچه در استغاثه گفتیم، منادی با لام جر مفتوحه و یا مکسوره و یا بدون این دو و با الف در آخرش می آید.

### نتیجه

در استغاثه، نداء مستغیث خطاب به مستغاث می باشد که گاه مستغاث له یا مستغاث منه نیز پس از ذکر مستغاث، آورده می شوند. در صورت لحوق لام، مستغاث مجرور به لام مفتوحه و مستغاث له و منه مجرور به لام مکسوره می شوند. مستغاث به سه شکل ذکر می شود؛ ملحق به لام، مختوم به الف و معرب به اعراب منادی. آنجا که مستغاث ضمیر متکلم وحده باشد لام مکسوره ملحق می شود. نیز اگر مستغاث معطوف باشد و «یا» تکرار نشود لام مکسور می شود. مستغاث منه و له نیز اگر اسم ظاهر نباشند مجرور به لام مفتوحه خواهد شد. جارومجرور مستغاث له متعلق به فعلی از معنای دعوت و مقدر می باشد که حال محذوف است و ذوالحال آن مستغاث می باشد. گاهی نیز از استغاثه برای بیان تعجب استفاده می شود؛ که در اینصورت تمام احکام استغاثه را خواهد داشت.

<sup>12</sup> شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک فی ثوبه الجدید ص 140

## ندبه

### بیان مسئله:

ندبه یکی از فصل‌های باب نداء در کتب نحوی است. در ندبه اضافه بر اشاره به مخاطب برای جلب توجه آن، فائده معنایی دیگری وجود دارد و آن بیان حزن و اندوه متکلم است به گونه‌ای که گویا معنای نداء از آن سلب شده است و تمام بار معنایی لفظ به بیان اندوه اختصاص پیدا کرده است. از این رو به بیان چگونگی ندبه می‌پردازیم.

### مقدمه

ندبه نداء نادب برای کسی است که گم شده است یا فوت کرده است و یا در حکم گمشده یا مرده است؛ مثلاً آن کسی که صرفاً نزد نادب حاضر نیست و این عدم حضور برای او ناراحت کننده است از جمله مصادیق مورد دوم (در حکم گمشده) می‌باشد. برای ندبه تعاریف دیگری نیز آورده شده از جمله اینکه: نداء نادب برای کسی که برای او فاجعه‌ای رخ داده است و یا نداء نادب برای چیزی که منشأ مصیبت و اندوه نادب است و یا نداء نادب برای محل و موضع مصیبت و فاجعه.<sup>۱۳</sup>

### ارکان ندبه

ادات ندبه «وا» یا «یا» می‌باشد که «یا» به عکس «وا» کمتر مورد استعمال واقع می‌شود. از آنجا که در منادی غیر مندوب نیز «یا» ذکر می‌شود لازم است برای ادات واقع شدن «یا» قرینه جهت عدم اشتباه میان تشخیص منادی غیر مندوب و ندبه وجود داشته باشد. در هیچ یک از حالات حذف ادات ندبه جایز نمی‌باشد.

مندوب لفظی است که پس از ادات ندبه واقع می‌شود. و مندوب یا کسی است که نادب برای اندوهش نسبت به فاجعه رخ داده برای مندوب، اظهار ناراحتی می‌کند و یا مندوب همان فاجعه است که نادب برایش ندبه می‌کند و یا موضعی است که فاجعه در آن رخ داده است.<sup>۱۴</sup>

### شرایط اسم مندوب

بطور کلی لازم است مندوب نکره و یا مبهم نباشد؛ چرا که در آن صورت دلیلی برای اینکه نادب از آن اظهار ناراحتی کند وجود ندارد.<sup>۱۵</sup> قید مبهم امثال «أی» و اسم جنس مفرد (خالی از اضافه) و اسم اشاره را خارج می‌کند. اسم جنس اگر به معرفه اضافه شود در آن صورت افاده تعریف می‌کند و می‌تواند مندوب واقع شود. موصولی که صله مشهوری دارد می‌تواند مندوب واقع شود. مانند «وا من حفر بئر زمزماه» چرا که مشهور بودن صله اش ابهامش را از بین می‌برد. پس در این صورت به منزله اسم علم می‌باشد. در میان موصولات «ال» نمی‌تواند مندوب واقع شود. نیز ضمیر یا موصول مختص یا ذواللام نمی‌توانند مندوب واقع شوند. مندوب لازم است ذکر شود و نمی‌تواند حذف شود.

<sup>13</sup> بهجه المرضیه فی شرح الفیه فی اسلوبها الجدید ص 152 و شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک فی ثوبه الجدید ص 141

<sup>14</sup> بدائه النحو ص 219

<sup>15</sup> بهجه المرضیه فی شرح الفیه فی اسلوبها الجدید ص 152

### اشکال اسم مندوب

مندوب سه حالت کلی دارد؛

- 1- مختوم به الف
- 2- مختوم به الف و هاء (اه)
- 3- خالی از الف و هاء

در شکل اول اگر صفتی برای مندوب آورده شود، «الف» به آخر صفت ملحق می شود.

شکل دوم در زمان وقف بر مندوب مورد استفاده قرار می گیرد؛ الحاق هاء در حین وصل جایز نیست. ... زمانی که اسم مندوب مرکب باشد، الف و هاء به آخر جزء دوم آن ملحق می شوند؛ در موصول نیز لحوق الف و هاء به آخر صله می باشد. گاهی اسم مندوب، در اصل مختوم به الف است در اینصورت نیازی به آوردن الف مجدد و سپس الحاق هاء نیست. ابن مالک در الفیه قائل به حذف شدن الف آخر مندوب می باشد؛ تا الف و هاء به آن ملحق شود.

شکل سوم در حکم منادی غیر مندوب می باشد.

### نتیجه

اسم مندوب برای اظهار ناراحتی نسبت به کسی که متکلم، او را از دست داده است و یا اکنون از او دور شده است صورت می گیرد. مندوب یا مختوم به الف است و یا مختوم به الف و هاء و یا خالی از این دو مورد.

## ترخیم

### بیان مسئله:

یکی از انواع منادی، منادی مرخم است که با منادی در حالت ابتدایی خود تفاوت لفظی دارد. از این رو لازم است برای تشخیص منادی در این حالت، تعریف ترخیم، مواضع ترخیم و چگونگی آن بررسی شود.

### تعریف

گاه از آخر لفظ منادی، حرف یا حروفی حذف می شود. در این صورت به منادی، منادی مرخم و به این عملیات حذف ترخیم گفته می شود. این حذف به دلیل تخفیف لفظی صورت می گیرد.<sup>۱۶</sup>

### مواضع ترخیم

ترخیم در دو موضع است؛

- 1- اول آنجا که منادی مختوم به تاء تانیث باشد.
- 2- و دوم آنجا که منادی غیر مختوم به تاء تانیث باشد ولی عَمَلَمی باشد که بیش از سه حرف دارد و مرکب اضافی نمی باشد.<sup>۱۷</sup>

در موضع اول، لفظ مونث مختوم به تاء فرقی نمی کند علم باشد یا خیر و یا بیش از سه حرف داشته باشد و یا خیر. در موضع دوم نیز تذکیر یا تانیث در ترخیم شرط نشده اند.

### کیفیت ترخیم

زمانی که منادی به گونه ای باشد که حرف ماقبل آخرش ساکن لینی باشد (واو ساکن ماقبل مضموم، الف ساکن ماقبل مفتوح، یاء ساکن ماقبل مکسور)؛ در این صورت حرف ساکن نیز به همراه حرف آخر حذف می شود. اما اگر حرکت ماقبل حرف ساکن از جنس حرف ساکن نباشد، نیازی به حذف حرف پیش از آخر نیست. این حالت فقط در زمانی است که واو ساکن یا یاء ساکن ماقبل مفتوح باشند. در اسامی مرکب، بجای حرف آخر بخش دوم عبارت حذف می شود.<sup>۱۸</sup>

پس از ترخیم حرف ماقبل آخر می تواند با همان حرکتی که پیش از ترخیم داشته است تلفظ شود و یا اینکه در حکم منادی مستقل باشد. یعنی اگر مفرد معرفه یا نکره مقصوده باشد مبنی بر حالتی می شود که پیش از منادی واقع شدن در آن حالت اعراب رفع را می پذیرفته، و اگر نکره غیر مقصوده باشد یا مضاف و شبه مضاف باشد؛ منصوب است.

<sup>16</sup> بدائه النحو ص 216

<sup>17</sup> بدائه النحو ص 216

<sup>18</sup> بهجه المرضیه فی شرح الفیه فی اسلوبها الجدید ص 155

## نتیجه

گاه منادا اگر مختوم به تاء تانیث باشد و یا اگر علمی باشد که بیش از سه حرف دارد، یک یا دو حرف از آخر آن حذف می شود که در این صورت به منادا، منادای مرخم گفته می شود که در لفظ با ظاهر اصلی خود متفاوت است اما تفاوت معنایی ندارد.



## فهرست منابع:

### قرآن کریم

آموزش عقائد، علامه مصباح یزدی، محمد تقی رحمه الله علیه، موسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی ره، ایران قم، چاپ

ششم تابستان 1391

البهجه المرضیه علی شرح الفیه فی اسلوبها الجدید، سیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، مرکز مدیریت حوزه علمیه

قم، ایران قم، چاپ سوم 1398

بدائه النحو، صفائی بوشهری، غلامعلی، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ایران، قم، چاپ یازدهم 1397

شرح ابن عقیل علی الفیه ابن مالک فی ثوبه الجدید، ابن عقیل، عبدالله ابن عبدالرحمن، مرکز مدیریت حوزه علمیه

قم، ایران قم، چاپ اول 1398